مجلّه‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، شماره‌ی هفدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

فرایند روش‌شناسی ترکیبی در برنامه‌ریزی راهبردی توسعه‌ی کالبدی مناطق روستایی ایران[(۱)]

عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت‌مدرس تهران)
سیدعلی بدری (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران، نویسنده‌ی مسؤول)
sabadri@ut.ac.ir
مهدی پورطاهری (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت‌مدرس تهران)
حمداله سجاسی قیداری (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت‌مدرس تهران)

چکیده

طی دهه‌های اخیر، شواهد بسیار زیادی از تغییرات فزاینده‌ی اجتماعی، اقتصادی و محیطی در سطح کشور مشاهده شده است که عمدتاً به تغییرات فضایی منتهی شده‌اند. با توسعه‌ی فن‌آوری، انسان عناصر و شرایط طبیعی را به میزان قابل توجهی شناسایی کرده و چگونگی بهره برداری و شیوه‌ی مدیریت منابع طبیعی را تحول بخشیده و نیاز به برنامه-ریزی کالبدی را افزایش داده‌است. در این زمینه ساکنان نواحی روستایی نیز استثنا نبوده‌اند. بنابراین نیاز به فضا جهت انجام یک برنامه‌ریزی مدیریت کالبدی مبتنی بر اصول علمی و دیدگاه‌های نظریه‌ای توسعه‌ی پایدار، که متناسب با روش‌شناسی مناسب باشد، بیش از پیش ضرورت پیدا کرده‌است. بر این اساس در مطالعه‌ی حاضر برای اولین بار از یک روش‌شناسی ترکیبی (کمی- کیفی) برای برنامه‌ریزی و توسعه‌ی کالبدی مناطق روستایی کشور بهره گرفته شد، که از ویژگی‌های اساسی آن، استفاده‌ی همزمان از روش‌های کمی و کیفی مشارکتی در چارچوب برنامه ریزی راهبردی است، که از نگاه چندسطحی در برنامه ریزی و روش شناسی پیروی می‌کند. سؤال کلیدی مقاله این است که روش‌های ممکن برای برنامه ریزی کالبدی مناطق روستایی کدام‌اند و تلفیق این روش‌ها چگونه امکان‌پذیر است؟ و آیا روش‌شناسی ترکیبی مشارکتی به‌کار رفته، امکان دسترسی به اهداف برنامه ریزی کالبدی در مناطق روستایی را فراهم می‌سازد؟ نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۸/۱۶   تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۸/۳

تدوین یک نظام مدیریت و برنامه ریزی راهبردی کالبدی پایدار و اصولی با مشارکت سطوح مختلف برنامه ریزی (از سطح ملی تا محلی) و عاملان توسعه (مردم، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان) با روش شناسی ترکیبی مشارکتی امکان‌پذیر است.

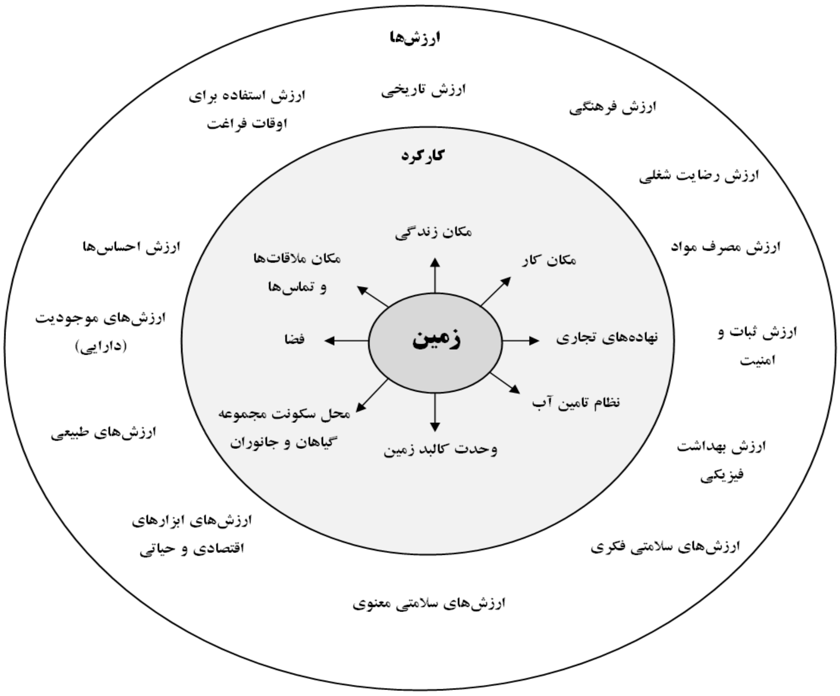
کلیدواژه‌ها: توسعه و برنامه‌ریزی کالبدی، برنامه‌ریزی راهبردی، روش‌شناسی ترکیبی، سکونت‌گاههای روستایی.

درآمد:

یکی از مهمترین عناصر ساختاری، توسعه‌ی سکونت‌گاههای روستایی در جهت حمایت از مردم به‌ویژه فقرای روستایی و کاهش آسیب پذیری مناطق روستایی، توجه ویژه به ابعاد کالبدی فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی انسان در مناطق روستایی است که در قالب مسکن سالم، محیط امن، خدمات عمومی، خدمات زیربنایی و کاربری زمین مورد توجه قرار می‌گیرند(Dalal-Clayton, & Dent, 1993: 39) تا اهداف سکونتگاه‌های روستایی را که در برگیرنده رفاه، خوشبختی و کامیابی و سلامتی بوده را تحقق دهند، زیرا برنامه‌ریزی کالبدی به عنوان یک فرایند نظام بخش بر سازماندهی، جهت دهی، تسهیل‌گری و مدیریت رشد و توسعه سکونت‌گاههای انسانی منطبق است که وظیفه‌ی حفاظت و استفاده‌ی کارآمد و پایدار از زمین و منابع مرتبط با آن را مورد توجه قرار می‌دهد (Omwenga, 2001:2; FAO, 1984: 54). کاربرد مفاهیم بالا در عرصه‌های روستایی با عنوان برنامه ریزی کالبدی سکونت‌گاههای روستایی عمدتاً به ساختارهای کالبدی مناطق روستایی مرتبط شده و آن‌گاه به مضامین و مؤلفه‌هایی چون کاربری زمین، ارتباطات و حمل و نقل، تأسیسات و تجهیزات زیربنایی و مسکن ارتباط می‌یابد. (FAO, 1991, 31; Baier, 1993: 15) به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران، محیط کالبدی زیست انسان دارای مقیاس‌های گوناگونی است که در درون این طیف گسترده‌ی خانه، کوچه، محله، شهر، روستا و منطقه قرار دارند که از ترکیب چهارگانه‌ی عناصر انسان، فرم، فضا و فعالیت و تعامل متقابل هر یک شکل گرفته و تشکیل دهنده‌ی

عناصر برنامه‌ریزی کالبدی سکونتگاه‌های روستایی هستند(FAO, 1983: 182). اما شش دهه برنامه‌ریزی توسعه در کشور ما نیز همگام با کشورهای در حال توسعه، نشان می‌دهد که نبود نگرش جامع و یکپارچه به فرآیند برنامه ریزی توسعه‌ی کالبدی و نیز کاربرد الگوهای نامتجانس، اثرات نامطلوبی در جوامع روستایی بر جای نهاده است(سعیدی،۱۳۸۳: ۱٦). به همین دلیل روستاهای کشور با ساختارهای غیر متعارف و با سازه‌های ضعیف دارای آسیب‌پذیری بالایی بوده (میرزاهاشمی،۱۳۸۳: ۱۸). و بیشتر ابنیه‌ی روستایی کشور با مصالحی از قبیل خشت، گل و چوب بنا شده‌اند (نجفی،۱۳۸۳: ۲۹). به هر حال این واقعیتی است که در عرصه‌ی ناپایدار طبیعی کشور، که در یکصد سال گذشته در آن پانزده زلزله با قدرت بیش از هفت ریشتر به وقوع پیوسته، این زنگ خطر بیشتر متوجه مناطق روستایی است(Bakema, 1994b: 53) که به دلیل عدم رعایت ضوابط فنی در ساخت و سازها و نیز بافت کهنه و فرسوده در معرض بیشترین خطر قرار دارند (بنیاد مسکن،۱۳۸۵: ۳٤). بدین ترتیب نقش توسعه‌ی کالبدی مناطق روستایی در ایجاد بستر مناسب برای توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی و اکولوژیکی و تأمین شرایط لازم برای تبدیل مناطق روستایی به محیط‌های امن برای فعالیت و سکونت امری ضروری تلقی می‌شود (Douglas, 1989, 75; Blume, and et al., 1998: 11). در این راستا، بی تردید تدوین راهبردها و سیاست‌های توسعه‌ی کالبدی سکونتگاه‌های روستایی کشور همسو با چشم‌انداز توسعه‌ی روستایی، منتج از سند چشم‌انداز توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند گامی در جهت حصول به اهداف توسعه بوده و نیازها، خواسته‌ها و تقاضای جدید برای زمین امن و بستر حیات و فعالیت در سکونتگاه‌ها، از جمله سکونتگاه‌های روستایی را افزایش دهد که نتیجه‌ی آن تغییر در ارزش‌ها و کارکردهای زمین روستایی می‌باشد (Diepen, and et al., 1991: 152). (شکل ۱).

شکل ۱: زمین روستا، ارزش‌ها و کارکردهای منظر



در نتیجه ضرورت بازنگری در سیاست‌ها و مدیریت زمین را به دنبال داشته است (ENDA/GRAF, 1992: 19). حال پرسش کلیدی این است که روش‌های ممکن برای برنامه‌ریزی کالبدی مناطق روستایی کدام‌اند و تلفیق این روش‌ها چگونه امکان‌پذیر است؟ و آیا روش‌شناسی ترکیبی مشارکتی به‌کار گرفته شده در این مقاله، امکان دسترسی به اهداف برنامه‌ریزی کالبدی در مناطق روستایی را فراهم می سازد؟

مبانی نظری

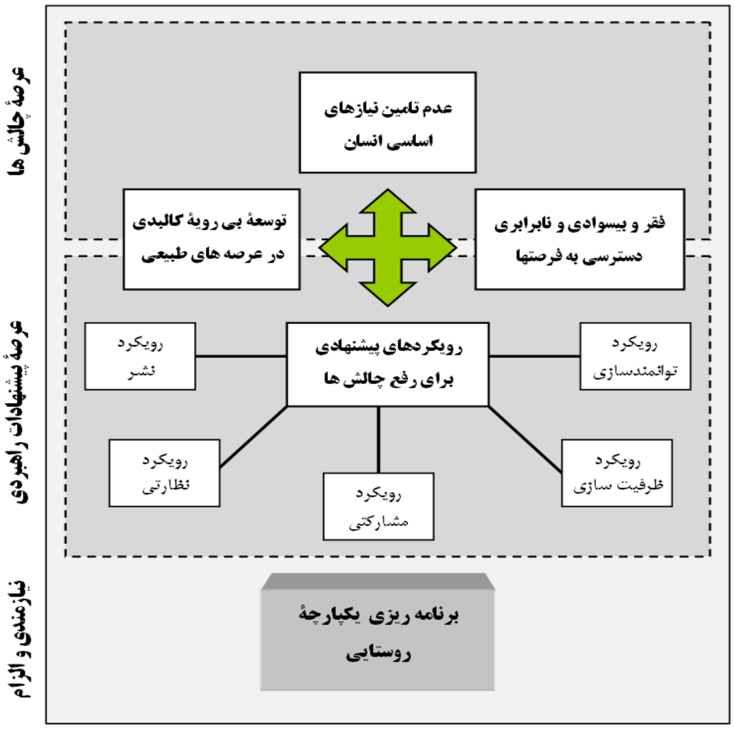
- **تحول اندیشه‌ای**

هم‌زمان با تحولات برنامه‌ریزی، توسعه‌ی روستایی نیز از تحولات اندیشه‌ای برخوردار شد و پارادایم کلاسیک جای خود را به پارادایم جدید داد. به‌گونه‌ای که حرکت از پارادایم با

رویکرد بالا به پایین، اوزالیدی، به رویکرد پایین به بالا، توجه به فضای زیست و زندگی روستایی در کانون برنامه ریزی قرار گرفت. تا جایی‌که امروزه توسعه‌ی روستایی به مثابه فرآیند مشارکتی تلقی می‌شود که توان‌مندسازی مردم روستایی به منظور کنترل و مدیریت و تعیین اولویت‌های خود برای تغییر از اصول بنیادین آن به‌شمار می‌رود (Ellis & Biggs, 2001: 487). این تغییر پارادایم به چندین دلایل صورت گرفت که از جمله‌ی آنها: مکانیکی و غیر قابل انعطاف بودن، عدم کمک به برنامه ریزان در محافظت از منابع طبیعی و اجتماعی با ارزش و در نهایت انحطاط و تخریب محیطی بسیار سریعی را در جهان موجب شد، که پیامدهای آن نیز اغلب ناپایداری نهادی و محیطی را به همراه داشت. در حالی که توسعه‌ی پایدار حتی از دیدگاه اقتصادی به بهبود امرار معاش‌هایی اشاره دارد که معیشت نسل‌های آینده را تضعیف نکرده و قادر است در طول زمان پایدار بماند (پایداری نهادی) امرار معاش‌ها به مواردی بیشتر از صرف درآمد و ثروت اشاره دارند و کیفیت زندگی جامعه، امنیت وارزش برای آنانی که امرار معاش شان نیاز به بهبود دارد، اهمیت دارد (بدری، ۱۳۸۰: ٥٦). در پارادایم جدید، با استفاده از دیدگاه سینوپتیک به مسائل نگاه می‌شود که برنامه‌ریزی راهبردی کالبدی مناطق روستایی نیز نمی‌تواند مستثنی از این موضوع باشد. براین اساس، واژه و مفهوم برنامه ریزی کالبدی، به‌طور عمومی با مباحث آمایش سرزمین و برنامه ریزی فضایی آمیخته شده(رضوانی، ۱۳۸۳: ١٦) و با مفهوم سازماندهی مطلوب فعالیت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی انسان در فضا همراه گردیده، که حاصل آن تخصیص بهینه‌ی فضا به فعالیت‌های مختلف بر اساس اصول بنیادین توسعه‌ی پایدار است. در این معنا، آنچه در حال حاضر از مفهوم برنامه-ریزی توسعه‌ی کالبدی دریافت می‌شود برآیند نظمی متمرکز بر سازماندهی، جهت‌دهی، تسهیل‌گری و مدیریت رشد و توسعه‌ی سکونت‌گاههای انسانی است که بر استفاده کارآمد و پایدار از زمین و حفاظت از منابع مرتبط با زمین تأکید دارد. در این معنا، مفهوم کنونی برنامه-ریزی توسعه‌ی کالبدی بر تعامل عناصر چهارگانه‌ی فرم به عنوان تحدید یا تسهیل کننده فضا، فعالیت به معنای کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و اکولوژیکی انسان، فضا به عنوان محل و مکان وقوع فعالیت و انسان به عنوان عامل روح دهنده به فضا و فعالیت تأکید دارد که

بر اساس چالش‌های موجود در جامعه‌ی روستایی و رویکرد برنامه‌ریزی یکپارچه‌ی روستایی، نیازمند به برنامه‌ریزی کالبدی است (شکل۲).

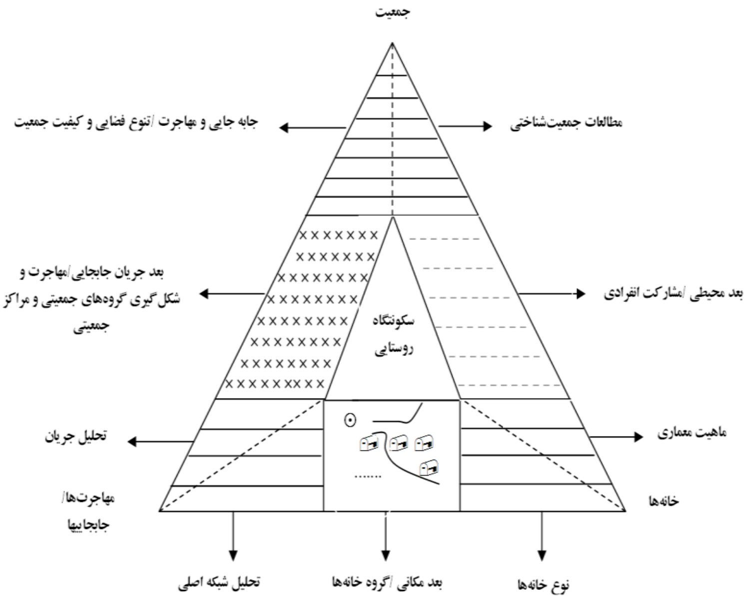
شکل۲: نیازمندی به برنامه ریزی توسعه‌ی کالبدی در سکونت‌گاههای انسانی با تأکید بر عرصه‌ی چالش‌ها و پیشنهادهای راهبردی



بنابراین، برای رسیدن به ثبات اقتصادی–اجتماعی و ارتقاء کیفیت محیطی مبتنی بر عدالت و برابری، به برنامه ریزی کالبدی نیاز می باشد (Oduwaye Leke, Gamu-Kaka. Faoziah, 2007:4) زیرا برنامه‌ریـزی کالبدی قادر است از خسارت‌های بالقوه به منابع طبیعی جلوگیری کرده و پاسـخ‌گـوی فشـار بـیش از اندازه جمعیت، در تأمین نیازهای متعدد آنها برای عرضه‌ی مسکن، زیربناها و خدمات را فراهم کرده و در پایان امنیت مالکیت و دسترسی به زمین را برای فقـرا فـراهم مـی سـازد (Bakema, 1994a: 21) (محسن زاده، ۱۳۸۳: ۸). در واقع در برنامه‌ریزی کالبـدی تـلاش نظـام‌منـد ارایـه‌ی

رهنمودهای اساسی برای مناطق و فعالیت‌های اقتصادی، سکونت و محیط زیست روستایی است. بر این اساس تعیین بهینه‌ترین مکان جهت کاربری زمین، اعم از کشاورزی و غیر کشاورزی، تعیین گزینه‌های ترجیحی برای مکان‌یابی انواع کاربری‌های اقتصادی، تعیین مکان‌های ترجیحی برای سکونت، مشارکت، دسترسی و نیز تعیین فرصت‌هایی برای ارتقاء ظرفیت‌های محیطی روستا مورد توجه است (FAO, 1993: 15; Parsons Brinckerhoff, 2006:9)(شکل۳).

شکل۳: دیدگاه سینوپتیکی مکان‌یابی سکونت‌گاههای روستایی و توسعه‌ی کالبدی



- **تحول روش‌شناختی**

در سال‌های اخیر، رویکردهای توسعه‌ی روستایی از تغییرات اساسی برخوردار شده و در قالب توسعه‌ی پایدار و با دیدگاه سرزمینی و مشارکت نگریسته می‌شود(بدری و نعمتی، ۱۳۸۸: ۷۱). این دیدگاه، با رویکرد "چندبخشی" همراه بوده و در راستای تحقق اهداف توسعه‌ی

پایدار روستایی، امری ضروری تلقی می‌گردد. از این‌رو، در چارچوب رهیافت مطلوب توسعه برای مناطق روستایی که با توسعه‌ی پایدار روستایی شناخته می‌شود، هم اینک بر خلاف گذشته، توسعه‌ی روستایی مبتنی بر رویکردی کل نگر و سیستمی است که در بردارنده‌ی ابعاد بنیادی، شکل دهندی نظام توسعه‌ی روستایی و هم پیوندی موزون میان آنهاست. بدین ترتیب یکپارچگی و همه جانبه نگری، تأکید بر توان‌مندسازی و مسئوولیت پذیری، ظرفیت سازی و نیز تأمین امنیت اکولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی از اصول بنیادین توسعه‌ی پایدار روستایی محسوب می‌شود (Sumner, 2001: 12). در این راستا، تجربیات بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه‌ی دنیا نشان می‌دهد که برنامه ریزی توسعه‌ی کالبدی مناطق روستایی، عمدتاً با رویکرد سرزمینی و در بستر توسعه‌ی پایدار صورت پذیرفته است. در این رویکرد، بیان وضع موجود کالبدی مناطق روستایی و تأثیرات ساختار کالبدی بر سایر ابعاد توسعه و نیز مشکلات و روند توسعه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدین ترتیب درک و شناسایی وضع موجود و شرایط حاکم بر نظام‌های محلی، منطقه‌ای و ملی و اطلاع از پایداری کالبدی در سطح جوامع روستایی، اعتبار ویژه‌ای را در تصمیم‌گیری‌ها داراست. بر این اساس برنامه ریزی توسعه‌ی کالبدی بر بستر توسعه‌ی پایدار، باید چهار هدف عمده را جهت پایداری کالبدی سکونتگاه‌های روستایی تعقیب نماید:

– بستر سازی جهت حفاظت و نگهداری نواحی روستایی شامل منابع طبیعی، حفظ اراضی زراعی و باغات، چشم اندازها و میراث طبیعی، بافت‌های با ارزش و میراث فرهنگی و گردشگری روستایی؛

– ساماندهی قابلیت دسترسی به خدمات، حمل و نقل و ارتباطات روستایی، به‌سازی و ارتقاء کیفیت مسکن و بهبود کیفیت زندگی؛

– زمینه سازی افزایش ضریب مقابله با خطرات و بلایای طبیعی از طریق اجرای طرح‌های کالبدی(مؤسسه‌ی توسعه‌ی روستایی ایران، ۱۳۸۵: ۱۷)؛

– ایجاد بستری مناسب جهت ساماندهی روابط متقابل شهر و روستا، به‌ویژه در روستاهای مجاور شهرها(طاهرخانی، ۱۳۷۷: ۲۱- دیوسالار، ۱۳۸۳: ۳۸).

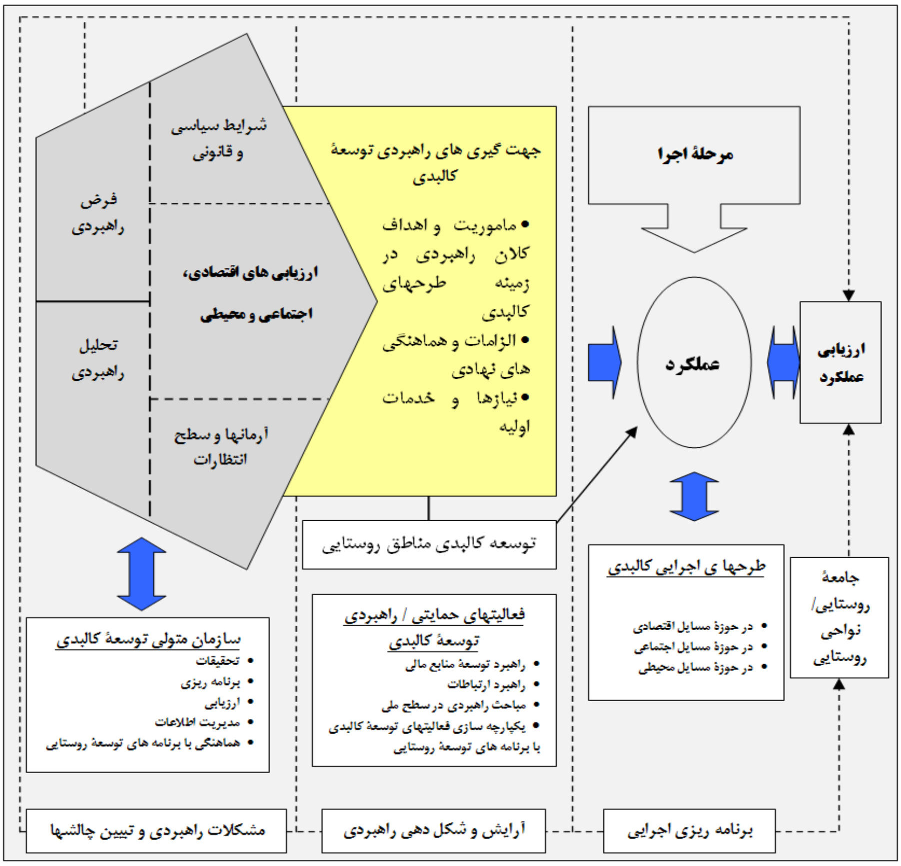
در روش‌شناسی جدید، با در نظرگرفتن شرایط جاری براساس ساختارها و کارکردهای محیط‌های اجتماعی و اقتصادی و الگوهای کاربری زمین به پیش‌بینی و آینده‌سازی در قالب برنامه ریزی راهبردی با ارزشیابی مشارکتی پرداخته شده، تا از این طریق زمینه برای کاربرد برنامه ریزی در سطح ناحیه‌ای[1] (به عنوان بخشی از چارچوب برنامه‌ریزی غیرمتمرکز) برای گنجاندن نیازهای مردم، معضلات، پتانسیل‌ها و موضوعات توسعه‌ای در واحدهای همگن ناحیه‌ای(منطقه) برای فراهم کردن نظام معیشتی پایدار روستایی و پرکردن شکاف‌های اجتماعی – اقتصادی، مالکیت و دسترسی به امکانات و خدمات، فراهم شود(حسینی حاصل، ۱۳۸۳: ۱۹). به سخن دیگر، همان گونه که پیشتر بیان شد برنامه‌ریزی روستایی، به ویژه برنامه‌ریزی راهبردی در چارچوب برنامه‌ریزی ناحیه‌ای (منطقه‌ای) حرکت خود را هموار می‌سازد. از این‌رو در برنامه‌ریزی مشارکتی نیز به این مسأله توجه می‌شود، تا آن‌جا که ادبیات روش‌شناسی مشارکتی نشان دهنده‌ی تعداد مناسبی از روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای پرورده شده‌اند و از طریق پژوهش‌های دانشگاهی و به وسیله‌ی نهادهای بین‌المللی و ملی در دسترس قرارگرفته‌اند. در کل، روش‌شناسی مذکور بر نکات زیر تأکید ورزیده و می‌کوشد تا آن‌ها را دنبال نماید: ۱. رهیافت برنامه‌ریزی مشارکتی؛ ۲. ارزش تمرین و تجربه[2]؛ ۳. استفاده از فنون ساده؛ ٤. مفیدبودن حتی با وجود پایه اطلاعاتی محدود؛ ۵. بر اساس تجارب گروهی بودن؛ ٦. پیمایش‌های میدانی، مشاهدات، مذاکرات گروهی و مصاحبه‌ها، دوره‌های مختلف نشست و مذاکره با مقامات رسمی، مجریان طرح‌ها، نهادهای سطح میدانی (GOها وNGOها)، سازمان‌های مردمی، رهبران محلی، گروه‌های مختلف شغلی (صنعتی) و مراجعه کنندگان (مانند کشاورزان، زنان، جوانان و مانند آن)؛ ۷. دوره‌ی کوتاه مدت برای تهیه‌ی برنامه‌ی توسعه ناحیه‌ای، منطقه ای؛ ۸. تمرکز کلی روی روش‌های ارزشیابی سریع ناحیه‌ای، منطقه ای.

با این توصیف باید گفت در نگاه جدید به برنامه‌ریزی بر اساس رهیافت توسعه‌ی پایدار، روش‌شناسی برنامه‌ریزی کالبدی نیز دچار تحول شده است و حرکت تعاملی ترکیبی کیفی–

1. District
2 . Value of practice

کمی را با رویکرد مشارکتی و راهبردی دنبال می‌کند که چارچوب مفهومی آن در سه بخش: طرح مشکلات راهبردی، آرایش و شکل‌دهی راهبردی و برنامه‌ریزی اجرایی، مورد توجه قرار می‌گیرد (مؤسسه‌ی جغرافیای دانشگاه تهران، ۱۳۸٦: ۱۹) (شکل ٤).

شکل٤: الگوی مفهومی تدوین راهبردها و سیاست‌های توسعه‌ی کالبدی پایدار مناطق روستایی



روش‌شناسی

با توجه به طرح مسأله و مبانی نظریه‌ای آن و پاسخ علمی به پرسش کلیدی، به‌ویژه روش تدوین راهبردها و سیاست‌های توسعه‌ی کالبدی مناطق روستایی ایران، از روش شناسی

اکتشافی و کیفی- کمی(ترکیبی) استفاده شد، که چارچوب آن اتکا بر «رویکرد مشارکتی خبره محور»(متخصصان توسعه‌ی روستایی) همراه با مردم محور با استفاده از گزارش‌ها و اسناد در دسترس و مورد تأیید در قلمرو توسعه‌ی روستایی در نزد دستگاههای مختلف که مبتنی بر انباشت تجربه و سرمایه‌ی علمی ملی بود به معماری طرح پرداخته شد، سپس با تشکیل جلسات «طوفان مغزی» این فرایند مورد نقد و بررسی قرار گرفت. بنابراین در چارچوب رویکرد مشارکتی خبره‌محور و مردم محور، محتوای ناشی از نظریه و تجربه‌ی توسعه‌ی روستایی، با استفاده از اصل «توان‌مندی خرد جمعی» زمینه‌ساز تولید «سرمایه جمعی» یعنی راهبردها و سیاست‌های توسعه‌ی کالبدی و سند چشم‌انداز بلند مدت توسعه‌ی کالبدی مناطق روستایی و الگوی مطلوب نظام مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه‌ی کالبدی مناطق روستایی مبنای روش شناختی قرار گرفت.

بر مبنای روش بالا نخست پس از تدوین چارچوب اجرایی انجام طرح، همه‌ی پیش‌نویس‌های برنامه‌ی راهبردی توسعه‌ی کالبدی مناطق روستایی با مشارکت صاحب‌نظران و متخصصان و افراد باتجربه و مردم محلی در زمینه‌ی مورد بحث، دیدگاه آنان درباره فرایند برنامه‌ی راهبردی (چشم‌انداز توسعه‌ی کالبدی مناطق روستایی، راهبردها و سیاست‌ها و نظام مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه‌ی کالبدی نواحی روستایی) اخذ شد و در کنار آن، روش کمی نیز با استفاده از پرسشنامه و انتخاب جامعه‌ی آماری مورد توجه قرار گرفت و سرانجام برنامه‌ی نهایی تنظیم شد. اصول کلی روش‌شناسی تدوین این طرح بر مبنای شکل ۵ استوار است.

شکل ۵: روش تدوین برنامه‌ی راهبردی



بدین ترتیب در گام نخست، علاوه بر بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و روش مشارکتی کارگاهی با طراحی و تدوین پرسشنامه با بیست و هفت سؤال و تکمیل آن در هفت استان و در سطح هزار وپانصد تن کارشناس، خبرگان محلی و ساکنان مناطق روستایی که به طور نسبی معرف کل نواحی روستایی کشور بود، زمینه‌ی شناسایی و ارزشیابی وضع موجود جامعه‌ی روستایی را به هدف بسترسازی جهت تدوین اصول راهبردی توسعه‌ی کالبدی مناطق روستایی فراهم نمود. با توجه به اصل همگنی‌های منطقه ای و مجاورت‌های مکانی و فضایی، پهنه‌ی جغرافیایی کشور به هفت منطقه به شرح زیر طبقه بندی و از هر طبقه یک استان با توجه به قدمت فعالیت‌های عمرانی و نیز طبقه بندی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی از استان‌های توسعه یافته تا توسعه نیافته به عنوان نمونه انتخاب شده اند.

منطقه‌ی اول: استان‌های شمال غرب، کشور شامل: آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، زنجان و اردبیل ← آذربایجان شرقی.

منطقه‌ی دوم: استان‌های شمالی، کشور شامل: گیلان، مازندران و گلستان← مازندران.

منطقه‌ی سوم: استان‌های جنوبی، کشور شامل :خوزستان، بوشهر، هرمزگان، سیستان و بلوچستان← سیستان و بلوچستان.

منطقه‌ی چهارم: استان‌های مرکزی، کشور شامل: اصفهان، یزد، کرمان و فارس← اصفهان.

منطقه‌ی پنجم: استان‌های دامنه‌ای زاگرس شامل: همدان، لرستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، ایلام و کردستان← همدان.

منطقه‌ی ششم: استان‌های تحت حوزۀ عملکردی کلان شهر تهران شامل: استان تهران، قزوین، قم، مرکزی و سمنان← تهران.

منطقه‌ی هفتم: استان‌های شمال شرقی، کشور شامل: خراسان رضوی، خراسان شمالی و خراسان جنوبی← خراسان رضوی.

در گام دوم و سوم با استفاده از نقطه نظر صاحب نظران و مردم و بررسی وضع موجود و تحلیل روند تحول توسعه‌ی روستایی با تأکید بر توسعه‌ی کالبدی و ملاحظه‌ی اسناد فرادست موضوع و شناسایی قابلیت‌ها و توان‌مندی جامعه‌ی روستایی، چشم‌انداز توسعه‌ی کالبدی مناطق روستایی تدوین شد. پس از نهایی شدن سند چشم‌انداز توسعه‌ی کالبدی روستایی، در گام چهارم براساس محتویات

سند مذکور و رایزنی و مشورت با صاحب‌نظران توسعه‌ی روستایی راهبردها و سیاست‌های توسعه کالبدی روستایی تدوین شد. بدیهی است در این مرحله، پیش‌نویس اهداف و راهبردها در کارگاه مشورتی با حضور صاحب نظران مورد بررسی قرار گرفت و نهایی شد. در مرحله‌ی بعدی پس از تدوین سند چشم‌انداز و راهبردها و سیاست‌های توسعه‌ی کالبدی با توجه به اسناد مذکور و بررسی تجارب کشورهای منتخب و فراز و نشیب‌های نظام مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه و عمران روستایی و تجارب مستند و غیر مستند موجود و نقد و بررسی الگوها و سبک‌های مختلف نظام مدیریت و برنامه‌ریزی، الگوی مطلوب پیشنهادی نیز تدوین و ارایه شد. بدیهی است که در این مرحله نیز نقطه نظر مردم، کارشناسان و صاحب نظران در خصوص الگوی پیشنهادی اخذ و الگوی تدوین شده نهایی شد. برای دست‌یابی به فرصت‌ها، محدودیت‌ها، قوت‌ها و ضعف‌ها در حوزه‌ی ساختار مدیریت و برنامه-ریزی از دیدگاه مردم و کارشناسان از روش ارزشیابی گروه کانونی یا متمرکز[1] گروههای کانونی شامل گروههای همگن از نظر جنسیت، سن یا سایر ویژگی‌های مرتبط با مطالعه استفاده شد که اطلاعات عمیقی در مورد موضوع مورد پژوهش داشتند. در نتیجه پس از بحث نظریه‌ای، بیان اهداف کارگاه و کلیاتی در مورد مراحل انجام کار افراد در قالب سه تا پنج گروه تقسیم بندی شدند. افراد شرکت‌کننده و تسهیل‌گران حاضر در جلسه‌ی گروهها به همدیگر معرفی شدند و در گروه‌های متفاوت با فاصله‌ی مناسب از هم قرار گرفته و تسهیل‌گران مجدداً اطلاعات و توضیحات لازم را برای شروع کار در اختیار گروهها قرار دادند. این گروهها شامل شش تا هشت تن و نقش هدایت و تسهیل‌گری تسهیل‌گران به بحث روی شیوه‌ی تصمیم گیری در فرآیند گام‌های طرح پرداختند. در این شیوه هم از فنون ارزیابی و ارزشیابی مشارکتی تحلیل SWOT[2] استفاده شد. این فن تحلیل بسیار مفیدی برای تحلیل موقعیت جاری یک سازمان یا گروه در زمینه‌ی کاربرد و توسعه‌ی نوآوری، اتخاذ تصمیمات، ارزشیابی پیامدها و گزینه‌ها برای انتخاب می‌باشد و نه تنها چشم‌انداز کنونی بلکه فرصت‌ها و تهدیدات آتی را نیز ملحوظ می‌دارد.

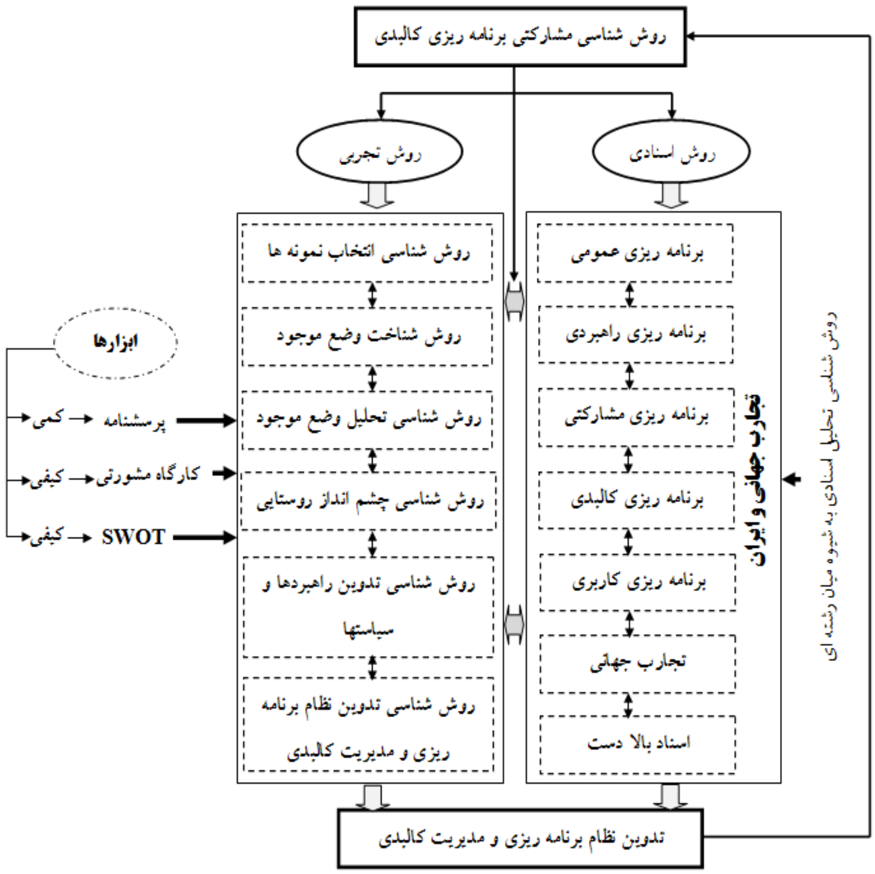
---

1)Focus Group
2) Strengths, Weaknesses, Opportunities, Threats Analysis

جهت انجام مراحل کارگاه به شیوه‌ی SWOT، جداول از پیش طراحی شده منطبق برگام‌های مورد اشاره به ترتیب و جداگانه در اختیار هرگروه قرار گرفت و نهایتاً پس از تکمیل آن که با نظارت و راهنمایی‌های تسهیل‌گر هر گروه انجام شد، نتایج به تفکیک گروه، ارایه گردید.

برای دست‌یابی به اهداف، راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های برنامه‌ریزی کالبدی مناطق روستایی کشور، با استفاده از یک روش سینوپتیکی و همه‌جانبه‌نگر و پس از کسب دیدگاه صاحب نظران و متخصصان و افراد باتجربه درباره‌ی چشم‌انداز توسعه‌ی کالبدی مناطق روستایی، راهبردها و سیاست‌ها و نظام مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه‌ی کالبدی نواحی روستایی در چارچوب روش‌شناسی برنامه‌ریزی راهبردی مشارکتی انجام گرفت(شکل٦).

شکل٦: روش شناسی مشارکتی برنامه‌ریزی کالبدی



یافته‌های تحقیق

- یافته‌های کمی

یافته‌های حاصل از ارزشیابی کمی فرآیند مدیریت و برنامه‌ریزی کالبدی از دیدگاه روستاییان نشان می‌دهد که: ۱) تقویت فرآیند مشارکت در طرح‌ها، ۲) توجه به کاربری‌های صنعتی در آینده، ۳) انعطاف‌پذیری در اجرای طرح‌های کالبدی، ٤) تقویت رعایت منافع ذی-نفعان در طرح‌ها، ۵) تأمل در تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی به کاربری‌های مسکونی و تجاری، ٦) تقویت اصل تقسیم وظایف بخش‌های دولتی و پیگیری عملیاتی شدن آن وظایف و مسؤولیت‌ها برای اجرای طرح‌ها، ۷) فرهنگ‌سازی ساخت و ساز بر اساس مجوز و نقشه، ۸) تقویت همکاری با دهیاری‌ها و هماهنگی بین شورا و دهیاری از کلیدی‌ترین مواردی است که در برنامه‌ریزی و مدیریت کالبدی ضرورت دارد. در واقع یافته‌های کمی حاصل از آن است که در روش شناسی کلاسیک بدون مشارکت، انعطاف‌پذیری و همه‌جانبه نگری در بعد منافع ذی‌نفعان و همکاری‌ها و هماهنگی درون و بین بخشی چندان مورد توجه نیست.

- یافته‌های کیفی

یافته‌های کیفی تحقیق ناظر بر ارزشیابی فرآیند مدیریت توسعه‌ی کالبدی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، چشم‌انداز کالبدی، راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ی کالبدی و نظام برنامه‌ریزی و مدیریت کالبدی است. بر این اساس این یافته‌ها به شرح زیر قابل ارایه هستند:

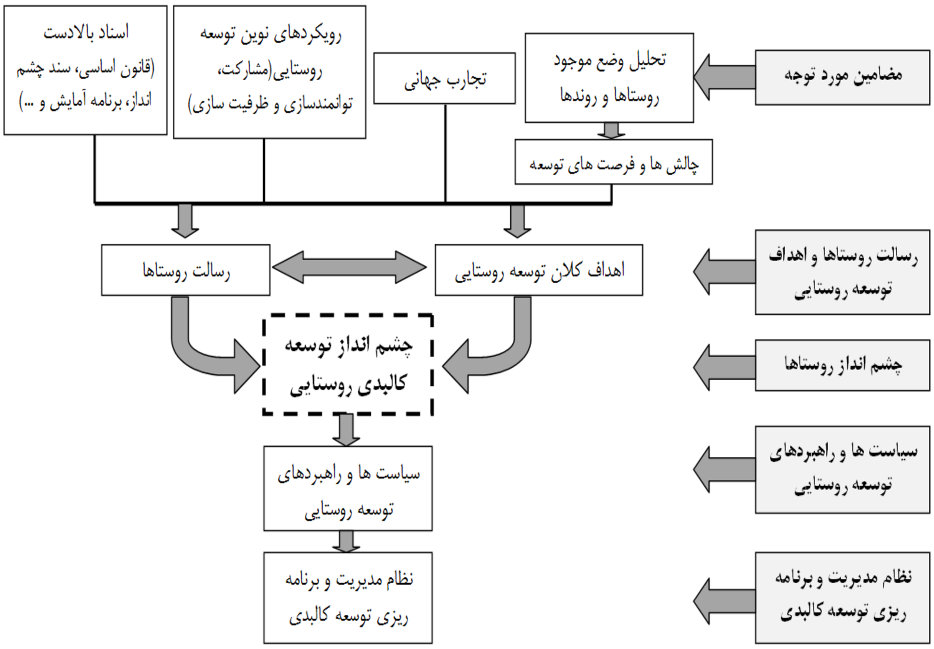
الف) ارزشیابی فرآیند مدیریت (شیوه‌ی تصمیم‌گیری، شیوه‌ی ارتباطات و شیوه‌ی ارزیابی و نظارت) طرح‌های کالبدی از دیدگاه شرکت کنندگان گروه‌های پنج‌گانه نشان می‌دهد که فرآیند مدیریت طرح‌های کالبدی در ابعاد تصمیم گیری، ارتباطات و ارزشیابی و نظارت به صورت مشارکتی موجب تسهیل عملیات اجرایی، تقویت ارتباط با طرح‌های بالادست، حرکت مؤثر ارگان‌های دولتی برای انجام خدمات در چارچوب الگوی طرح‌های کالبدی (معیار شدن) و تقویت استفاده از نظریات مدیران محلی و نیروهای بومی شده و در نتیجه بسترهای توسعه‌ی روستاها را با توجه به ظرفیت‌های موجود فراهم می‌کند. افزون براین، با توجه به گونه‌گونی

روستاها، تفاوت‌های مکانی موجود و دستگاه‌های موازی در زمینه‌ی مدیریت روستایی، استفاده از دانش بومی و مشارکت روستاییان در مدیریت طرح‌ها و از سوی دیگرافزایش کیفیت مدیریت طرح‌ها موجب تسهیل و پایداری توسعه‌ی روستایی، به‌ویژه تقویت فرهنگ مشارکت و مشروعیت بخشی به طرح‌ها می‌شود. از این رو متناسب بودن و پیوستگی و انعطاف پذیری در مدیریت مشارکتی طرح‌ها، از عواملی است که نباید از آن غافل ماند. نکته‌ی قابل تأمل دیگر در این کارگاه، نزدیکی دیدگاه‌های کارشناسان و روستاییان نسبت به آثار طرح‌های کالبدی در روستاست و این نشانگر آن است که سرمایه‌ی اجتماعی از جمله سرمایه دانش بومی (شناخت مسائل کلیدی توسط روستاییان) و دانش جدید (شناخت مسائل کلیدی توسط کارشناسان) از طریق تعامل‌ها و برگزاری کارگاه‌ها در حال شکل‌گیری است. در واقع شناخت مسایل کلیدی روستاها توسط روستاییان و متخصصان و کارشناسان با تجربه توامان می‌توانند مشروعیت بخشی، سازگاری و پیوستگی و انعطاف پذیری طرح‌ها را دو چندان کند و این همان تأیید رهیافت مشارکتی در طرح‌هاست که ضرورت دارد در فرآیند مدیریت توسعه‌ی روستایی دنبال شود.

ب) یافته‌های چشم‌انداز کالبدی مناطق روستایی نشان‌دهنده‌ی آن است که با روش مشارکتی، ترسیم چشم‌انداز که یکی از میثاق‌های میان دولت و مردم است و تلاشی برای کاستن از عدم توازن‌های منطقه‌ای و سرزمینی و تعدیل نابرابری میان روستا و شهر از حیث فرصت‌ها، منابع و منافع، ضرورتی اساسی و اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌رود، قابل حصول است(افتخاری، ۱۳۸۵: ۸). با توجه به این که توسعه‌ی کالبدی به نوعی بسترساز توسعه‌ی روستایی محسوب می‌شود، امکان‌پذیر بودن و پایایی و هم‌بستگی ملی، منطقه‌ای و محلی از این طریق افزایش می‌یابد. بر این مبنا، بدیهی است که ترسیم چشم‌انداز توسعه‌ی کالبدی مناطق روستایی بر اساس برنامه‌ریزی راهبردی مستلزم دست‌یابی به آمارهای مدون و دوره ای در خصوص موضوع مورد بحث است. با این حال تدوین چشم انداز با توجه به محدودیت‌های آماری که در این زمینه وجود دارد، انجام پذیرفت. هرچند که تلاش شد با جمع آوری نظر روستاییان در استان‌های منتخب و برگزاری کارگاههای مشورتی تا حد ممکن

خلأهای آماری جبران شود. بدین ترتیب تدوین سند چشم انداز توسعه‌ی کالبدی با استفاده از نقطه نظر صاحب نظران و بررسی وضع موجود و تحلیل روند تحول توسعه‌ی روستایی با تأکید بر توسعه‌ی کالبدی و ملاحظه‌ی اسناد فرادست موضوع و شناسایی قابلیت‌ها و توان‌مندی جامعه‌ی روستایی، انجام پذیرفت. برای تدوین چشم‌انداز و انتخاب آینده مطلوب با استفاده از روش سناریو، نخست سناریوهای ممکن تعیین شدند، سپس با توجه به شرایط و امکانات و تجارب کشور در خصوص توسعه‌ی کالبدی، سناریوی ممکن، به عنوان سناریوی برتر، انتخاب و معرفی شد(شکل۷).

شکل۷: الگوی فرآیندی ترسیم چشم‌انداز توسعه‌ی کالبدی مناطق روستایی بر اساس برنامه‌ریزی راهبردی



پ) یافته‌های مربوط به راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ی کالبدی نیز مشخص می‌کند که پیامدها و آثار مثبت ناشی از شیوه‌ی تصمیم‌گیری مشارکتی (شامل داده‌ها، مطالعات، هماهنگی، مقررات، دامنه، محدوده‌ی تصمیم‌گیری، دستورالعمل‌ها، روش‌ها، رویه‌ی عمل،

استانداردسازی یا روش کار مشارکتی) در طرح‌های کالبدی روستایی (مشتمل بر طرح‌هادی، ساماندهی سکونتگاهی، به‌سازی بافت باارزش) برای محیط داخلی روستا (روستاهای همسایه، شهرهای همسایه، رابطه شهر و روستا) توسط مشارکت توأمان کارشناسان و مردم امکان‌پذیر است و براساس داده‌های جمع‌آوری شده به شیوه‌ی مشارکتی، راهبردهای چهارگانه به شرح جدول ۱ قابل تنظیم می‌باشد.

جدول ۱: راهبردهای فرآیند مدیریت (تصمیم‌گیری، ارتباطات و ارزشیابی) در طرح‌های کالبدی مناطق روستایی از دیدگاه مشاوران، کارشناسان فنی و اجرایی

تحلیلSWOT نیروهای بیرونی **نیروهای درونی**	***فرصت‌ها*** O_1= تعیین حیطه‌ی عملکرد دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط(جهاد کشاورزی، راه و ترابری) در خصوص دامنه وظائف مربوط با تهیه‌ی طرح‌هادی. O_2= برقراری ارتباط میان محیط روستایی با متخصصان و فن‌گرایان شهری. O_3= شکل‌گیری تعادل و ارایه خدمات بین نقاط روستایی و تنظیم و تعدیل مراجعات روستاییان برای دریافت خدمات از طریق سیاست‌گذاری کالبدی در روستاها. O_4= وجود نظارت علمی و تخصصی بر اجرای پروژه‌های روستایی توسط بنیاد موجب رویکرد مثبت سایر دستگاهها ی اجرایی جهت برنامه ریزی و اجرانمودن پیشنهادهای بنیاد در روستاها می‌شود	***تهدیدها*** T_1= وجود دستگاه‌های موازی دولتی در زمینه مدیریت روستاها. T_2= نبود هماهنگی میان نیازهای مردم روستا با سیاست‌های دستگاه‌های اجرایی و محدود کردن نیاز به اخذ اطلاعات لازم در فرآیند تهیه و بررسی طرح‌ها. T_3= در نظر گرفتن وضع موجود برای سطح بندی خدماتی روستاها در اسناد بالا دست. T_4= سوء استفاده‌های احتمالی از کاستی در نظارت مستمر بر فرآیند اجرای پروژه‌های عمرانی از سوی پیمانکاران.
قوت‌ها S_1= امکان بهره‌برداری مدیریتی صحیح از وظایف بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و دهیاری‌ها در امر بهسازی و ساماندهی روستاها S_2= امکان شناسایی و ساماندهی روستای در معرض سوانح طبیعی و	***راهبردهای رقابتی/ تهاجمی (SO)*** - تقویت زمینه‌های قانونی و مدیریتی برای مشخص کردن دقیق حیطه‌ی عملکرد دستگاه‌های اجرایی در سطح روستا از طریق تعیین محدوده‌ی وظایف آنها در داخل طرح‌های‌هادی و بهسازی و ساماندهی بافت‌های با ارزش روستایی.	***راهبردهای تنوع(ST)*** - توجه به ترکیب عناصر و ابعاد مدیریت روستایی در سطح کلان و مشخص کردن دقیق وظایف هر یک از دستگاه‌ها در زمینه مدیریت روستایی در جهت حذف موازی‌کاری‌های سازمانی. - استفاده از نظرات مردم محلی و

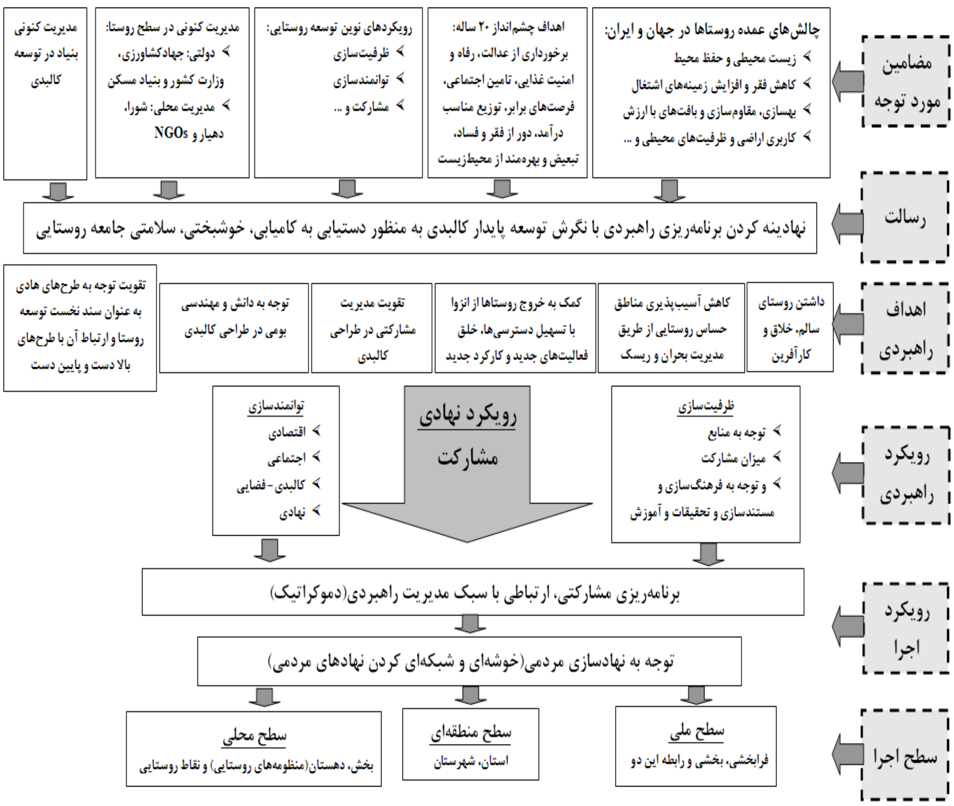
ایجاد بستر مناسب جهت اسکان و درآمد زایی(طرح ساماندهی) در روستاها S_3= امکان بهره مندی از نظرات مدیران محلی روستا(اعضای شورای اسلامی – دهیاران) در مراحل مختلف بررسی و تدوین طرح‌های کالبدی بویژه طرح‌های‌هادی S_4= وجود نظارت گسترده در اجرای پروژه‌ها و تطابق برنامه زمانبندی پیش بینی شده با روند عملیات اجرا در روستا	- تقویت زمینه‌های مدیریت شناسایی و ساماندهی روستاهای بحران‌خیز با استفاده از تجارب مردم و مدیران محلی و همچنین دانش فنی متخصصان مدیریت بحران جهت برقراری ارتباط مناسب بین انسان روستایی با محیط خویش - تقویت زمینه‌های بهره‌گیری از مدیریت مدیران محلی(شوراها و دهیاران) در شناسایی نیازهای خدماتی در فرآیند مدیریت طرح‌های کالبدی - تقویت زمینه‌های نظام مدیریت نظارت و ارزیابی مشارکتی با ترکیب مردم محلی و متخصصان بنیاد برای مدیریت پروژه‌ها	دستگاه‌های گوناگون در شناسایی و ساماندهی روستاهای آسیب‌پذیر در برابر سوانح طبیعی و تقویت نظام مدیریت بحران شبکه‌ای محلی - تقویت مدیریت سطح‌بندی خدمات روستایی با بهره گیری از نظرات مدیران محلی و جایگاه روستا در سلسله‌مراتب فضایی سرزمین و منطقه - تقویت نظام مدیریت ارزیابی مردمی پروژه‌ها جهت جلوگیری از کم‌کاری‌های و هویت‌بخشی به نظام مدیریت ارزیابی و پایش محلی
ضعف‌ها W_1= تلفیق کم اهداف اجتماعی ، اقتصادی در نظر گرفته شده مطابق شرح خدمات با تصمیم گیری کالبدی W_2= وجود ارتباط مناسب کم بین دهیاران و بنیاد مسکن در خصوص اجرای طرح‌های کالبدی روستایی از جمله طرح‌هادی W_3= برکنار ماندن گروهای خاص مانند زنان از فرآیند تهیه و اجرای برخی طرح‌های کالبدی مانند طرح‌هادی W_4= حضور کم نهادها و مدیریت محلی در شبکه نظارت بر نحوه اجرای پروژه‌ها	***راهبردهای بازنگری/ تغییر جهت هوشمندانه(WO)*** - گزینش رویکرد تلفیقی و کل‌گرا و مردم محور در مدیریت تصمیم گیری‌های کالبدی جهت جلوگیری از نگاه تک بعدی و بخشی نگری در بین دستگاه‌های اجرایی در زمینه توسعه روستایی - تغییر در دامنه و شیوه روابط بین اجزای مدیریت روستایی(دهیاران و شوراها با بنیاد) و همچنین انسان روستایی با مکان و فضای زندگی خود و با مدیریت کلان روستایی - استفاده از نظرات و دیدگاه‌های زنان و دختران روستایی پیشرو در فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی کالبدی فضای زندگی و شناسایی نیازها خدماتی - بازنگری در الگوهای نظارت و ارزیابی پروژه‌های روستایی با کمک گرفتن از افراد محلی و نهادینه کردن شبکه مدیریت پایش و ارزیابی محلی	***راهبردهای تدافعی(WT)*** - جلوگیری از نگاه‌های تنگ‌نظرانه و محدود و بخشی و تک‌بعدی نسبت به کارکردهای روستایی و اهمیت جایگاه آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه ملی با برقراری همپوشی بین اهداف اقتصادی و اجتماعی در سطح دستگاه‌های اجرایی مدیریت روستایی - بکارگیری و توجه فرآیندی به نظرات و مدیریت مردم و مدیران محلی توسط بنیاد در تهیه و تدوین و اجرا، و پایش و ارزیابی طرح‌ها و پروژه‌ها - تشکیل شبکه ارتباطی گروه‌های اجتماعی زنان در مدیریت طرح‌های کالبدی و تقویت شناخت نیازهای آنان در طرح‌ها از طریق شکل‌دادن به شبکه‌های زنان پیشرو در روستا - تقویت نظام مدیریت ارزیابی پروژه‌ها از سوی مردم، مدیران محلی در جهت دستیابی به اهداف طرح مطابق زمانبندی و جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی

ت) در بعد تدوین نظام برنامه‌ریزی و مدیریت کالبدی مناطق روستایی کشور، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که فرایندی بودن مشارکت همراه با توجه به تغییرات در محیط پیرامون و نیازهای کنونی جامعه‌ی روستایی، چاره‌ای جز بازنگری در ساختار و کارکردهای سازمان‌ها و نهادها در تدوین نظام برنامه‌ریزی و مدیریت کالبدی مناطق روستایی کشور برای انطباق بیشتر با شرایط پیرامونی وجود ندارد. این بازنگری باید در یک نگاه کل‌گرا، سیستمی و منعطف، سلسله‌مراتبی شبکه‌ای افقی و عمودی صورت گیرد، که از ملزومات آن انتخاب دو نگاه از درون و بیرون به سازمان/ جامعه به همراه کلیه اجزاء و عناصر آن است. در واقع امروزه دیگر نمی‌توان به دور از مشارکت و توجه به نظریات و نیازهای اجزا و جامعه، به تدوین برنامه‌ریزی پرداخت. بنابراین برای دست‌یابی به شیوه‌ی مدیریت مناسب سازمانی و مدیریت روستا نیز در نظر داشتن فرآیندی، روابط و عناصر تأثیرگذار و مشارکت ضروری می‌باشد. از جمله‌ی این‌ها می‌توان شیوه‌ها و روش‌شناسی مدیریت یکپارچه توسعه‌ی روستایی در آینده را مطرح ساخت. یافته‌ها برای نوع مدیریت نظام برنامه‌ریزی و مدیریت کالبدی توسعه‌ی مناطق روستایی، نشان می‌دهد که ساختار مدیریت روستایی، نیازمند مدیریت راهبردی است تا با نگاه بلندتری که به سال‌های آتی دارد، بتواند با بیان مسایل پیش‌روی در شرایط حاضر و آینده، زمان، وقوع و آثار وقوع را در برنامه‌ریزی پیش‌بینی نماید و متناسب با این تغییرات آینده‌نگری را اصلاح و موضوعات را اولویت‌بندی راهبردی نماید. در واقع این نوع مدیریت، خود را با مفاهیم برنامه‌ریزی فضایی (آمایش سرزمین) و برنامه‌ریزی منطقه‌ای گره می‌زند و تلاش می‌کند از طریق برنامه‌ریزی راهبردی کالبدی، عدم تعادل‌های منطقه‌ای و محلی را با استفاده از دانش مدیریت و برنامه‌ریزی و علوم جغرافیا، متعادل و بهره‌ور سازد. بنابراین تفاهم و همدلی و مشارکت‌پذیری، توجه به دگرگونی‌ها در جهان و ایران و روستاها، و توجه به چرخه‌ی تصمیم‌گیری علمی چندرشته‌ای و فرارشته‌ای ارتباطی و مشارکتی در این مدیریت، تحول‌آفرینی در حوزه‌ی کالبدی و تعادل‌سازی در سرزمین، به ویژه رابطه‌ی شهر و روستا و آینده سازی را به عنوان ره‌آورد مطرح می‌سازد. در این نوع مدیریت، تلاش می‌شود با یک اجماع علمی مشترک و شیوه مشارکتی، اختیارات و مسؤولیت‌ها به طور موزون توزیع و با

ساختار نظام تصمیم‌گیری علمی و اجماعی، ساختار و سازوکارهای حقوقی آن نیز بر اساس رسالت سازمان تنظیم گردد.

سرانجام باید گفت که در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت کالبدی، توسعه‌ی مناطق روستایی همانند هر نظام برنامه‌ریزی و مدیریتی در چارچوب نگرش توسعه‌ی پایدار، عناصر اولویت‌دار راهبردی نهادی را برای تحقق برنامه‌های راهبردی توسعه‌ی کالبدی، از جمله تصمیم‌گیری یکپارچه، ظرفیت‌سازی, علم و دانش فنی بومی و جدید، آگاهی‌های عمومی و اطلاعات، حکمرانی و نقش جوامع مدنی و چارچوب‌های نهادی، مدیریت بحران و ریسک و مشارکت عمومی در دو سطح فرابخشی و بخشی موردتوجه قرار دهد (شکل۸).

شکل۸: نظام مدیریت و برنامه‌ریزی مناطق روستایی با تاکید بر نگرش توسعه‌پایدار کالبدی



نتیجه‌گیری

باتوجه به مباحث مطرح شده در مبانی نظریه‌ای، روش‌شناسی و یافته‌ها، این مطلب به دست آمد که تحولات علمی، اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی در گستره‌ی جهان و ایران در مورد توسعه، چند نکته را آشکار کرد. نخست این که نادیده گرفتن توسعه‌ی روستایی به عنوان یک حق انسانی و مکانی، اجتناب ناپذیر است. دوم این که این توسعه به عنوان یک فرایند اندیشه‌ای، برنامه‌ریزی و روش‌شناختی در هر برهه‌ای از زمان و مکان راهبرد و سیاست خاص خود را می‌طلبد و تکیه کردن بر یک سیاست و راهبرد غیرپویا و بدون انعطاف در گذر زمان و مکان نه تنها مدیریت توسعه را با دشواری روبرو می‌سازد، بلکه خود توسعه را نیز با تأخیر روبرو می‌کند. سوم این که، توسعه‌ی امروز با اضافه کردن و پذیرش صفت پایداری، راهی را پیش‌روی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مردم نهاده است که این راه جز از طریق پذیرش اصولی چون تعادل‌گرایی در سه حوزه‌ی راهبردی (نظام‌های اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی)، بومی‌سازی، توجه به مکان و فضا، جریان توسعه‌ی اطلاعات امکان پذیر نیست. چنین فرایندی در توسعه‌ی روستایی، مدیریت و برنامه ریزی راهبردی و مشارکتی را به سوی حرکت در چارچوب مدیریت محیطی، به منظور تحقق اهداف توسعه‌ی روستایی رهنمون می‌سازد. چنین سازوکارهایی در برنامه‌ریزی راهبردی توسعه کالبدی روستا نیز در چارچوب توسعه پایدار روستایی ضروری است تا با استفاده از تجربیات علمی و جهانی، زمینه برای حرکت پایدار، نهادینه‌شده و انعطاف‌پذیر با ساختارهای اکولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی روستاها در چارچوب برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری منطقه‌ای و محلی فراهم گردد. زیرا برنامه‌ریزی راهبردی با دو انگاره‌ی برنامه‌ریزی مشارکتی، فضایی با رویکرد منطقه‌ای و محلی همراه بوده و در بعد روش‌شناختی از حرکت تک‌سبب‌بینی به چندسبب‌بینی و از تک نظامی به چند نظامی و میان رشته‌ای و فرارشته‌ای و کثرت‌گرایی و کیفی‌گرایی پیروی می کند. در این راستا برنامه ریزی راهبردی مشارکتی بر مبنای اصول توسعه‌ی پایدار در مناطق روستایی نیازمند توجه به موارد زیر است:

ـ فضا صفحه‌ی جغرافیایی از موضوعات متعارض در مدیریت کاربری زمین و برنامه‌ریزی کالبدی است؛

ـ کاربری زمین در مباحث برنامه‌ریزی محیطی (کالبدی) یک عنصر درونی و ماهیتی است و بازتاب توزیع نقش‌های انسان‌ساخت و توسعه‌ی محیطی بر اساس چشم‌انداز رفاه اکولوژیکی است؛

ـ برنامه‌ریزی کاربری زمین، ارزشیابی نظام‌مند زمین، تغییر و اصلاح کاربری‌ها با لحاظ کردن شرایط اقتصادی و اجتماعی بر اساس انتخاب و سازگاری با ساختار و کارکردهای سکونتگاه‌هاست؛

ـ بهینه‌گرایی، رفتار رضایت‌مند، مسؤولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی و رویکرد مشارکتی و تصمیم‌گیری‌های چندمعیاری از تصمیم‌گیری‌های راهبردی، تاکتیکی و اجرای برنامه‌ریزی کالبدی و برنامه‌ریزی کاربری زمین است؛

ـ با افزون شدن پایداری به حوزه‌ی برنامه‌ریزی فیزیکی (کالبدی ـ کاربری زمین)، از کاربری به عنوان تلاش برای ارتقاء توسعه‌ی پایدار سکونتگاه‌ها از جمله سکونتگاه‌های روستایی یاد می‌شود؛

ـ رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی، کلید اصلی برنامه‌ها و سیاست‌های کاربری زمین شناخته می‌شود تا دو بعد برنامه‌ریزی (برنامه‌ریزی کالبدی/ فیزیکی و بهبود برنامه‌ها) و پایداری (پایداری محیطی، اقتصادی و اجتماعی) را موردتوجه قرار دهد و پاسخ‌گوی نیازها و خواسته‌های متنوع (تولیدی، اسکان انسان، گیاهان و جانوران، خدماتی و فراغتی) شهروندان گردد؛

ـ از دیدگاه چشم‌انداز مدیریتی، سکونتگاه روستایی با مشارکت شهروندان و پشتیبانی‌های عمومی، به عنوان نقاط اصلی و راهبردی برای مدیریت و سیاست‌های عملی به‌شمار می‌روند؛

ـ از دیدگاه چشم‌انداز فضایی، سکونتگاه‌های روستایی، نقش مهمی در مباحث متون توسعه و برنامه‌ریزی در شکل دادن به سکونتگاه‌های سبز، روستا باغ‌ها، سکونتگاه‌های اکولوژیکی، سکونتگاه‌های حاشیه‌ای و ... داشته‌اند؛

ـ با چنین دیدگاه‌هایی، ضـرورت اتخـاذ سیاسـت‌هـای راهبـردی مناسـب (توجـه بـه ابعـاد جغرافیایی و محیط خاص سکونتگاه‌های روستایی) در چند حـوزه‌ی تجمیـع، بازسـازی، کـاربری زمین نظام‌های دسترسـی، مـدیریت انـرژی، معمـاری، حفاظـت و میـراث فرهنگـی، اشـتغال، سرمایه‌گذاری، کیفیت زندگی در نظریه‌های توسعه‌ی پایدار، بیش از پیش اهمیت یافته است؛

ـ و نهایتاً این‌که در این اندیشه و برنامـه‌ریـزی، موفقیـت سیاسـت‌هـای راهبـردی مناسـب سکونتگاه‌های روستایی در گرو توجه به عواملی همچون عوامل نهادی (رویه، مقررات، مـدیریت و سازماندهی و همکاری‌های بخش‌های مردمـی و دولتـی)؛ وجـه نظرهـا و رفتارهـای شـهروندان روستایی (سبک زندگی، الگوهای تحرک، آگاهی‌های محیطی)؛ سـاختار و مورفولـوژی سـکونتگاه (تراکم جمعیت، شکل سکونتگاه، شبکه‌های حمـل و نقـل و ارتبـاط بـا طبیعـت، تـاریخ و فرهنـگ و فعالیت‌های انسانی) و نهادینه کردن ابزارهای ارزشیابی هماننـد ارزشـیابی راهبـردی محیطـی بـه منظور سنجش رفتارهاست.

یادداشت‌ها

۱. مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهش کاربردی با عنـوان «**تدوین برنامه راهبردی توسـعه کالبـدی روستاهای کشور**» است که در معاونت پژوهش و فناّوری دانشگاه تهران بـین سـالهای ١٣٨٦ تـا ١٣٨٨ برای معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی انجام شده‌است.

کتابنامه

۱. افتخاری، عبدالرضا رکن الدین. (۱۳۸۵)، "چشم انداز توسعه روستایی در ایران – مبـانی اندیشـه ای الزامـات و پیش نیازها"؛ ***فصلنامه‌ی اقتصاد و جامعه سال دوم***، شماره ۱۰، زمستان.

۲. بدری، سیدعلی. (۱۳۸۰)،" ارزیابی پایداری در راهبرد اسکان مجدد روستایی, نمونه مـوردی: مجموعـه ادغـامی آب بر"، ***رساله دکتری تخصصی به راهنمایی عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری***، دانشگاه تربیت‌مدرس.

۳. بدری، سیدعلی و مرتضی نعمتی. (۱۳۸۸)،" *برنامه‌ریزی راهبردی توسعه‌ی اقتصادی با رویکـرد مشـارکتی، مطالعـه موردی: بخش مرکزی شهرستان لنگه*"، ***پژوهش‌های جغرافیای انسانی***، سال چهلم، شماره ٦٨، : ٨٣–٦٩.

٤. بنیاد مسکن انقلاب.(۱۳۸۵)، ***مجموعه قوانین و مقررات اختصاصی حوزه عمران روستایی***، تهران: نشر شریف.

۵. حسینی حاصل، صدیقه. (۱۳۸۳)، "نقش مشارکت‌های مردمی در محیط‌های روستایی"، ***فصلنامه‌ی دهیاری‌ها***، سال دوم، شماره ۱۰: ۲۲–۱۸.

٦. دیو سالار، علی. (۱۳۸۳)، "طرح ساماندهی فضاها و سکونتگاههای روستایی"، ***فصلنامه‌ی دهیاری‌ها***، سال دوم، شماره ۱۰: ٤۰–۳۸.

۷. رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۳)، ***مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی در ایران***، انتشارات قومس.

۸ سعیدی، عباس. (۱۳۸۳)، "برخی الزامات دهگردانی در پرتو مشارکت روستایی" ، ***فصلنامه‌ی دهیاری‌ها***، سال دوم، شماره ۹ :۱٤–۱۰.

۹ .طاهرخانی، مهدی. (۱۳۷۷)، ***ارزیابی عملکرد طرح‌های بهسازی روستایی، مطالعه‌ی موردی: استان قزوین***، سازمان جهاد سازندگی استان قزوین.

۱۰. محسن زاده، آرمین.(۱۳۸۳)، "نظام طرح‌ریزی کالبدی روستایی" ، ***فصلنامه‌ی دهیاری‌ها***، سال دوم، شماره ۱۰: ۲٤–۲۸.

۱۱. مؤسسه‌ی توسعه‌ی روستایی ایران. (۱۳۸۵)، ***کارگاه آموزشی رویکرد نوین توسعه در تهیه طرح‌هادی روستایی***، معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

۱۲. مؤسسه‌ی جغرافیای دانشگاه تهران. (۱۳۸٦)، ***گزارش کارگاه مشورتی طرح تدوین برنامه راهبردی توسعه‌ی کالبدی روستاهای کشور (استان خراسان رضوی، شهرستان مشهد)***، معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اس لامی.

۱۳. میرزاهاشمی، نفیسه. (۱۳۸۳)، "ایمنی روستاها در برابر زلزله" ، ***فصلنامه‌ی دهیاری‌ها***، سال دوم، شماره ۸ ، : ۲۲–۱۸.

۱٤. نجفی، علیرضا. (۱۳۸۳)، "مقاوم سازی ابنیه‌ی خشتی" ، ***فصلنامه‌ی دهیاری‌ها***، سال دوم، شماره ۸ ، : ۳٤–۲۹.

15. Baier, M. (1993); ***Village Level Development and Land Use Planning***; Part 2: Aberdare Workshop Report, Aberdare, Kenya, 15.2.-17.2.1993. Eschborn: GTZ, OE 425.

16. Bakema, R.J. (Hrsg) (1994a); ***Land Tenure and Sustainable Land Use***; KIT Bulletin, No. 332. Amsterdam: Royal Tropical Institute. 47 pages.

17. Bakema, R.J. (Hrsg) (1994b); ***Local Level Institutional Development for Sustainable Land Use***. KIT Bulletin, No. 331, Amsterdam: Royal Tropical Institute. 63 pages.

18. Blume, H.-P., Eger, H., Fleischhauer, E., Hebel, A., Reij, C. Steiner, K. G. (Editors) (1998); ***Towards Sustainable Land Use - Furthering Cooperation between People and Institutions***; Advances in Geoecology 31. Reiskirchen. Volume 1 and 2.

19. Dalal-Clayton, B. & Dent, D. (1993); Surveys, Plans and People. ***A Review of Land Resource Information and its Use in Developing Countries***; Environmental Planning Issues, No. 2. London: IIED. 148 pages.
20. Diepen, C.A. van, Keulen, H. van, Wolf, J. & Berkhout, J. (1991); ***Land evaluation; From Intuition to Quantification***. In: Advances in Soil Science,Vol. 15; pages 139-204. New York: Springer.
21. Douglas, M.G. (1989); ***Integrating Conservation into the Farming System: Land Use Planning for Smallholder Farmers***. Concepts and Procedures; London: The Food Production and Rural Development Division. Commonwealth Secretariat.
22. Ellis and Biggs, (2001); ***Evolving themes in rural development 1950s–2000s***; Development Policy Review 19 4 (2001), pp. 437–448.
23. ENDA/GRAF (Groupe Recherche Action Formation) (1992); ***The Future of Community Lands- Human Resources; London***: Intermediate Technology Publications. 236 pages.
24. FAO. (1983); ***Guidelines: Land Evaluation for Rainfed Agriculture***; FAO Soils Bulletin, No. 52. Rome: FAO. 237 pages.
25. FAO. (1984); ***Land Evaluation for Forestry; FAO Forestry Paper***, No. 48. Rome: FAO. 123 pages.
26. FAO. (1991); ***Guidelines: Land Evaluation for Extensive Grazing***; FAO Soils Bulletin, No. 58. Rome: FAO. 158 pages. 193
27. FAO. (1993); ***Guidelines for Land Use Planning***; FAO Development Series, No. 1. Rome: FAO. 96 pages.
28. Oduwaye Leke., Gamu-kaka. Faoziah (2007***)," Towards Achieving Sustainable Physical Development in Lagos State***, , Nigeria ,Strategic Integration of Surveying Services , FIG Working
29. Omwenga. Mairura(2001),"***The Missing Link: Spatial Information Required In The Preparation And Implementation Of Physical***
30. Parsons. Brinckerhoff (2006) ," ***Rural Land Use Strategy***", Public Discussion Draft, Greater Geelong Rural Land Use Strategy, Australia
31. Sumner Jennifer (2001),” ***Challenges to sustainbility: The impacts of corporate of globalization on rural communities***,” Rural extension studies, University of Guelph .www .uoguelph. ca.